

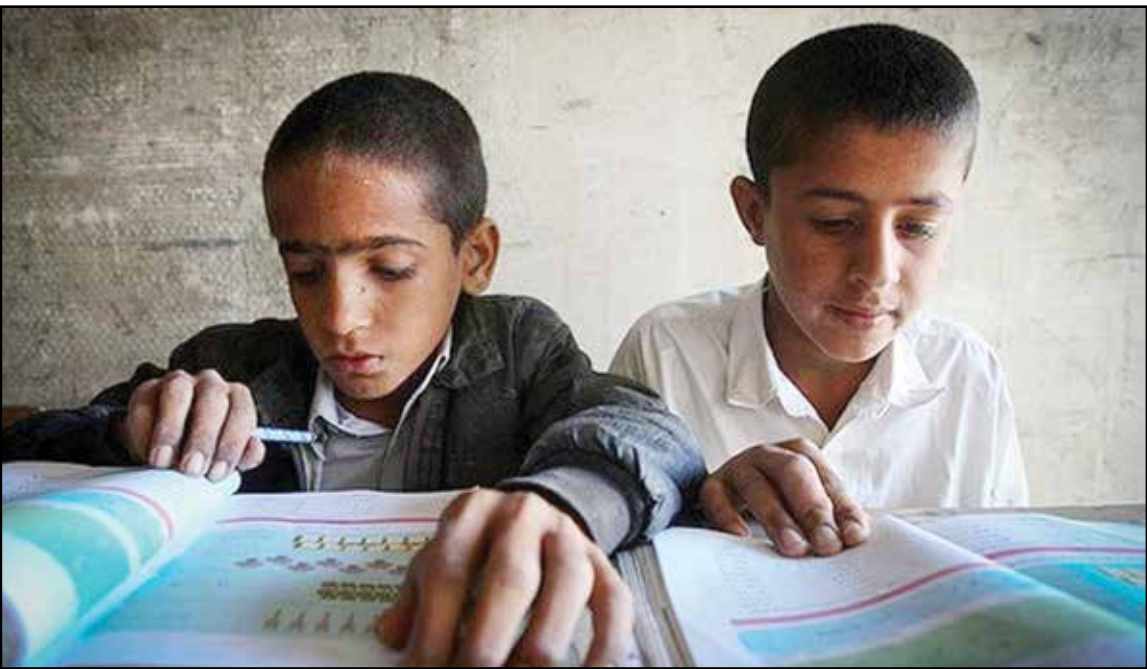
هم یکی یکی از پای درآمده‌و از چرخه تولید خارج شده‌اند، بدیهی‌ست که خانواده‌های کارگری توان پرداخت هزینه‌های آموزش فرزندان خودرا نداشته‌باشند.

«مازیار گیلائی‌نژاد»، فعال کارگری، در این رابطه با اشاره به تبعیضی که گریبان کودکان خانواده‌های فرودست‌را گرفته،می‌گوید:ویدئوی مهدکودک دوزبانه شمال تهران، در ظاهر فقط نمادی از پیشرفت یا رفاه شهری‌است‌اما اگر آن‌را کنتر تصویر کودکان سیستان وبلوچستان یا حتی ساکن جنوب‌شهر یا حاشیه‌تهران بزرگ بگذاریم، کودکانی که در مدارس کبری درس می‌خوانند، برای رسیدن به مدرسه از رودخانه‌می‌گذرند،کش مناسبدندان‌دراذفتر پارهای را با دستان ترک خورده نگه می‌دارند، «ضداد» دیگر پدیده‌ای تزئینی نیست و اختلاف طبقاتی، خودرا در عریان‌ترین شکل نشان می‌دهد. در جامعه‌ای که اقلیتی از کودکی در امنیت، آموزش و رفاه پرورش می‌یابدو اکثریتی از همان سنین ابتدایی با فقر،ناامنی و کار زود هنگام دست‌وپنجه نرم می‌کنند، مسأله تنها نابرابری نیست. ثروت اقلیت، از کار و رنج اکثریت ساخته‌می‌شود.

اواضه‌می‌کند: کارگرانی که برای تأمین معیشت خود در کارگاه‌ها، کارخانه‌ها و مزارعی می‌کوشند، در تصمیم‌گیری درباره سرنوشت‌شان هیچ‌سهمی ندارند. محروم‌ترین کارگران که بیش از همه به کنش‌گری و مطالبه‌گری نیازمنداز نهاد صنفی‌و تشکلی‌بی‌نصبی‌اند و به همین دلیل، محرومیت آنها در نسل‌های بعدی باز تولید می‌شود. فرزندان برای کار فرسنگ‌ها دور تر می‌روند و زیر چرخ‌های سنگین سرمایه‌داری له می‌شوند؛دقیقاًمشابه همان ویدئویی که از کودکان کار در عوارضی نزدیک فریمان منتشر شده‌است.

گیلائی‌نژاد می‌افزاید:فرزندان این کارگران که‌روی خاک و خل می‌نشینند و با شکم‌های گرسنه درس می‌خوانند یا بدستان کوچک‌شان در مزارع و کارگاه‌ها کاری می‌کنند، چنده آینده‌ی خواهند داشت؟!

ویدئوها را چندین‌بار می‌همه حقیقت را به نمایش می‌گذارند؛ آینده کودکان طبقات مختلف از همین امروز رقم خورده‌است. آن کودک‌نحیفی که در روستای اسفنگه چاپهار روی زمین نشسته و درس می‌خواند، خیلی زود مجبور است با درس و مدرسه وداع کند، موه‌ها را ور بکشد و برای کار سخت با حقوق ناچیز به حاشیه شهرهای بزرگ یا بنادر کشور مهاجرت کند. مقصد یا معانن زغال سنگ‌است یا مزارع کشاورزی یا کارگری و روزمزی ساختمان و خوابیدن کنار خیابان. همان «ظلم و پیشرفت» این کودکان پراکنده، محروم ویی‌مسار له خواهد کرد.



بدون شک، همه این کودکان در گیر رنج،فرزندان کارگران هستند. در شرایطی که نرخ حداقلی سبد خوراکی‌ها و آشامیدنی‌های خانوار کارگری متوسط ۴ نفره، به تنهایی دو برابر حداقل دستمزد مصوب شورای عالی کار است (که البته در شهرستان‌های محروم به بسیاری از کارگران همین حداقل هم پرداخت نمی‌شود) و در حالی که در مناطق محرومی مثل سیستان و بلوچستان، فرصتی برای اشتغال و نان درآوردن نیست و حتی کارخانجات قدیمی

سر مزارع کشاورزی می‌رفتند. اینها اصلاً گذارشان به مدرسه و کلاس درس نمی‌افتد. این ویدئو آن چنان ناراحت‌کننده‌است که چندان کودک‌زیر ۱۵ سال بودند، در یک پژو نشسته بودند. بعضی از کودکان در صندوق عقب بودند و برای کار زعفران چینی به فریمان می‌رفتند. در نمایی از این ویدئو، کودکان کار را غرقه به خون می‌بینیم که دست‌ها و پاهایشان لای آهن پاره‌ها آویزان است. این کودکان اکثراً بلوچستانی و مهاجر بودند و محروم از تحصیل که برای آن روز روزمزی یا ماشین‌های غیر استاندارد به

مرگ حداقل ۵ کودک کار در یک تصادف جاده‌ای در عوارضی باغچه مشهد. حداقل ۱۰ نفر که عموماً کودک‌زیر ۱۵ سال بودند، در یک پژو نشسته بودند. بعضی از کودکان در صندوق عقب بودند و برای کار خاک‌آلوده و کهنه و صورت‌های آفتاب‌سوخته، در حیاط خاکی مدرسه و زیر آفتاب سوزان، بدون صندلی و نیمکت روی زمین نشسته‌اند. آقامعلم در همان شرایط سخت، متعهدانه و عرق‌ریزان در حال درس‌اند.

مردم محلی می‌گویند مدرسه روستای اسفنگه از چندسال پیش نیمه کاره هاشده و هنوز کار ساخت آن به پایان نرسیده‌است. دانش‌آموزان ناچارند در فضای باز و در گرمای شدید منطقه، روی زبلویی نخ‌نماشینند و درس بخوانند. یک ویدئوی دردناک که نشان می‌دهد میان فرزندان خواص و ثروتمندان و فرزندان شهروندان کارگر و محروم مناطق روستایی و کم‌برخوردار، فاصله از زمین تا آسمان است.

ویدئوی سوم: صحنه‌هایی بسیار دلخراش از

براساس آمار اعلام شده از سوی وزارت آموزش و پرورش، در سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۱، تعداد ۹۰۲ هزار و ۱۸۸ کودک در مقاطع مختلف تحصیلی از تحصیل بازمانده‌اند که این رقم در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۲ به ۹۲۸ هزار و ۲۲۹ کودک رسیده است. اینها آمار کودکان دارای شناسنامه و مشمول سرشماری‌های رسمی‌ست و آمار واقعی قطعاً بیش از اینهاست.

چند ویدئوی کوتاه‌را کنتر هم می‌گذارم و بازبینی می‌کنم. تمام آنها در یک‌بستر جغرافیایی مشترک اتفاق افتاده‌اند؛ در طول و عرض جغرافیای همین مملکت‌اما فاصله میان‌شان پرشدنی نیست. مرور این ویدئوها، زمخت‌ترین چهره تبعیض را به‌نمایش می‌گذارد. **ویدئوی اول:** مهدکودکی دوزبانه در شمال شهر تهران که این روزها در شبکه‌های اجتماعی دست به دست می‌شود. کودکانی شاد،لباس‌هایی گران‌قیمت، فضاهایی تماماً رنگی و مربیانی که به زبان انگلیسی آموزش می‌دهند و البته کودکانی که مثل بلبل انگلیسی حرف می‌زنند. یک ویدئویی تبلیغاتی، سراسر رفاه و شادی و بهرهمز تولیدکنندگان آن نشانه‌ای از پیشرفت آموزش در کشور «کودکان خود راه‌مهدکودک‌های دوزبانه شمال تهران بسیارید».

ویدئوی دوم: ویدئویی از وضعیت بحرانی آموزش در روستای اسفنگه چاپهار، دانش‌آموزان زیر آفتاب و بدون نیمکت درس می‌خوانند. ده‌ها دانش‌آموز مقطع ابتدایی (دختر و پسر) با لباس‌های خاک‌آلوده و کهنه و صورت‌های آفتاب‌سوخته، در حیاط خاکی مدرسه و زیر آفتاب سوزان، بدون صندلی و نیمکت روی زمین نشسته‌اند. آقامعلم در همان شرایط سخت، متعهدانه و عرق‌ریزان در حال درس‌اند.

مردم محلی می‌گویند مدرسه روستای اسفنگه از چندسال پیش نیمه کاره هاشده و هنوز کار ساخت آن به پایان نرسیده‌است. دانش‌آموزان ناچارند در فضای باز و در گرمای شدید منطقه، روی زبلویی نخ‌نماشینند و درس بخوانند. یک ویدئوی دردناک که نشان می‌دهد میان فرزندان خواص و ثروتمندان و فرزندان شهروندان کارگر و محروم مناطق روستایی و کم‌برخوردار، فاصله از زمین تا آسمان است.

ویدئوی سوم: صحنه‌هایی بسیار دلخراش از

اخبار کارگری

مشاور مدیر عامل سازمان تامین اجتماعی: مقایسه خرید طلا به جای پرداخت حق بیمه، اشتباه بزرگی است

مدتی است در فضای مجازی تبلیغ می‌شود که اگر افراد هر ماه پرداخت حق بیمه را با خرید طلا جایگزین کنند، در آینده و سال‌های بازنشستگی شرایط به مراتب بهتری خواهند داشت؛ آیا واقعاً چنین است؟

به گزارش ایسنا، «علی حیدری» مشاور مدیر عامل تامین اجتماعی خرید طلا به جای بیمه پردازی را سرمایه‌گذاری پربیسکی دانست و گفت: سازمان تامین اجتماعی ۹۵ برابر حق بیمه در یافتی از بیمه‌شدگان را در قالب مستمری و... به آنها برمی‌گرداند.

وی با تأکید بر اینکه حرف‌هایی که در مورد جایگزینی خرید طلا به جای بیمه عنوان می‌شود، ناشی از عدم آموزش‌های عمومی و آگاهی‌های بیمه‌ای است، اظهار کرد: مشکل اینجاست که بعضاً افراد متوجه خدماتی که در یافت می‌کنند، نیستند. مثلاً فردی حق بیمه‌ی می‌پردازد اما در اثر یک حادثه یا بیماری ناچاراً باید عمل جراحی یا هزینه‌های چند صد میلیونی و حتی میلیاردری انجام دهد در حالی که در بیمارستان‌های تامین اجتماعی چنین جراحی‌هایی را بیگان انجام می‌شود.



مشاور مدیر عامل سازمان تامین اجتماعی ادامه داد: نکته دیگر اینکه طلا دارای ریسک نگهداری و ریزش‌های مقطعی است. مثلاً در زمان پذیرش قطعه‌ما ۵۹۸ قیمت طلا به شدت ریزش کرد و خیلی از بازاررانی که طلا اندوخته بودند، سکته کردند و امکان چنین ریسک‌هایی هم وجود دارد.

حیدری با بیان اینکه در سیستم بیمه‌های اجتماعی این گونه است که اندوخته‌ای انجام و سپس ۳۰ سال بعد خدمت در یافت می‌شود، گفت: اگر بیمه‌شده‌ای دچار از کار افتادگی یا بیماری صعب‌العلاجی شود، خدماتی از بیمه‌های اجتماعی در یافت می‌کند که در حالت عادی نمی‌توان از اندوخته‌های یک‌ساله یا دو ساله طلا استفاده‌کنند.

وی خاطر نشان کرد: افرادی داریم که در عرض یک‌سال و حتی یک‌ماه بعد از بیمه پردازی، تصادف کردند یا دچار حادثه شغلی شده‌اند اما برایشان مستمری برقرار شده، حال آنکه میزان اندوخته طلا یا پول حق بیمه شامل چند گرم طلا می‌شود که عملاً طلای خریداری شده کمکی در چنین مواقعی به فرد نمی‌کند. هدف از بیمه‌های اجتماعی، سوداگری و تجارت و واسطه‌گری نیست.

■ ■ ■

مسکن، زندگی کارگران را به بحران کشیده است

افزایش بی‌سابقه قیمت مسکن و اجاره‌بها، در کنار دستمزدهای ناکافی، کارگران را با بحرانی جدی در تأمین مسکن مواجه کرده، بحرانی که بخش زیادی از حقوق آنها را می‌بلعد و امید خنده‌ار شدن را از بین برده‌است.

به گزارش تسنیم، «علی جعفری آذر» نایب رئیس کمیسیون اجتماعی مجلس با انتقاد از این وضعیت، می‌گوید: مسکن به یکی از گران‌ترین نیازهای زندگی مردم تبدیل شده و برای افراد با درآمد ثابت، به‌ویژه کارگران و جوانان، به یک کالای دست‌نیافتنی بدل شده‌است.

وی در تشریح طرح پیشنهادی خود برای ساخت مسکن کارگری که در استان هم کلنگ ساختن آن زده شده، گفت: پیشنهادم دادم برای تسریع در ساخت مسکن برای مردم، به جای اینکه صرفاً قارات کار راه و شهرسازی را درگیر موضوع کنیم، از کارفرمایان و مدیران و صاحبان صنایع، به‌ویژه بخش خصوصی و خصوصی کمک بگیریم و به ایجاد شهرک‌های مسکونی در نزدیک‌ترین نقطه به شهرک‌های صنعتی و مراکز کارگاهی و کارخانه‌ای اقدام کنیم که در این صورت شاید کمتر از ۲ سال هر کار خانه بتواند برای کارگرانی که مسکن ندارند، خانه بسازد.

جعفری آذر می‌افزاید: برخی افراد با ۳۰ سال سابقه کار هنوز مستأجر هستند این یعنی عملاً هیچ گاه نتوانسته‌اند با حقوق خود خانه‌دار شوند. وی ادامه می‌دهد که طرح‌ها و وعده‌های دولت‌ها در زمینه مسکن دار کردن مردم، هرچند از نیت خوبی بر خوردار بوده‌اند اما در عمل به دلیل ضعف در اجرا و افزایش مداوم قیمت‌ها، نتیجه ملموسی نداشته‌اند.

جعفری آذر گفت: در شهرهای بزرگ، بسیاری از کارگران و کارمندان روزانه مسافت‌های طولانی را برای رسیدن به محل کار طی می‌کنند. این یعنی از ساعت ۵ صبح باید خانه را ترک کنند تا شاید ۷:۳۰ به محل کار برسند و شب‌ها هم با ترافیک سنگین، ساعت ۱۸ یا به خانه بازگردند. این شرایط نه تنها موجب خستگی مفرط جسمی و روانی کارگران می‌شود، بلکه با افزایش ترافیک، مصرف سوخت و آلودگی هوا، هزینه‌های کلان اجتماعی و زیست‌محیطی نیز به کشور تحمیل می‌کند.

به گفته جعفری آذر، برای مقابله با این بحران، باید الگوی جدیدی از ساخت مسکن کارگری پیاده‌سازي شود. او پیشنهاد داده که دولت، زمین‌های مناسب در نزدیکی شهرک‌های صنعتی و مراکز اشتغال را آماده‌سازی کرده و آنها را در اختیار کارفرمایان قرار دهد تا با مشارکت بخش خصوصی، مسکن مناسب برای کارگران احداث شود.

■ ■ ■

کارگران روزمزد شهرداری خاش:

قرارداد و بیمه تامین اجتماعی ندارند

شماری از کارگران روزمزدی شهرداری خاش در استان سیستان و بلوچستان، خواستار بر خور داری از قرارداد دائمی کار و بیمه تامین اجتماعی هستند. این کارگران که تحت مسئولیت یک شرکت پیمانکاری تامین نیرو در شهرداری مشغول به کارند، به اینلنا گفتند: شماري از کارگران واحدهای خدمات شهری، عمران و فضای سبز شهرداری خاش را آن کارگران روزمزدی تشکیل می‌دهند. آنها به دلایلی ماهیت روزمزدی بودن کار، وضعیت شغلی و بیمه‌ای مشخصی ندارند. یکی از این کارگران با بیان اینکه مطالباتمان را با راه‌ما مدیران شهرداری، اعضای شورای شهر و اداره کار شهرستان در میان گذاشته‌ایم اما هیچ نتیجه‌ای حاصل نشده، افزود: متأسفانه بعد از دو تا سه سال سابقه کار، فاقد بیمه تامین اجتماعی، عیدی و پاداش پایان سال و سایر مزایای عرفی و رفاهی هستیم و وضعیت شغلی مان همانند قبل با تالکلیف و ناسبانه است. او افزود: کارگران روزمزدی همانند سایر کارگران در کنار خرج‌های اصلی زندگی، نیازمند تامین هزینه‌هایی مانند آموزش و تحصیل، بهداشت و درمان هستند اما متأسفانه دستمز د پایین در کنار تورم فاسرگسیخته، سبب ناتوانی ما برای تامین نیازهای حداقلی زندگی‌شان شده‌است.

سریال دنباله‌دار کسری بودجه و منابع مالی تامین اجتماعی حاج اسماعیلی: برخورد با مشاغل سخت و زیان‌آور، تنگ‌نظرانه است

کرد. اول اینکه منابع مالی و کسری بودجه یکی از دلایلی است که باعث شده تنگ‌نظرانه با بحث مشاغل سخت و زیان‌آور برخورد شود و این امر به تضییع حقوق کارگران منجر شده‌است. دوم اینکه کسری کارگاه‌دار کشور شرایط استاندارد کار را ندارد، بدین‌رای عایت نمی‌کنند که این مساله باعث شده عده زیادی از کارگران در محیط‌های سخت کار کنند و این مساله آسیب‌ببینند. وی افزود: مساله دیگر این است که بخشی از نظارت‌ها ضعیف است و این موضوع باعث شده برخی محیط‌های کار شرایط ایمن و ایزارهای لازم را برای کارگران فراهم نکنند. در نتیجه بدون بررسی و کار کارشناسی یکسری از کارگران از لیست سخت‌و زیان‌آور به راحتی خارج می‌شوند و حقوق آنها در این بخش تضییع می‌شود.

این کارشناس حوزه کار در پایان خاطر نشان کرد: متأسفانه نتوانسته‌ایم از فناوری‌های جدید استفاده و ابزارها و امکانات در محیط‌های کار را به‌روز کنیم. خیلی از مشاغلی که امروز جزو مشاغل سخت و زیان‌آور تعریف شده شاید از طیف سخت و زیان‌آور بیرون بیایند. دولت‌ها نتوانسته‌اند شرایط محیط‌های کار را بهبود بخشیده و استفاده از ابزار و امکانات لازم به‌روز را بر برای حفاظت و صیات از نیروی کار و سرمایه‌های انسانی فراهم کنند.

■ ■ ■



بتوانیم مسئولان دوسازمان مربوطه را قانع کنیم و چنانچه این پیگیری‌ها به نتیجه برسد، کارکنان اورژانس می‌توانند ۲۵ ساله بازنشسته‌شود.

صحت‌هایی هم با مسئولان شهری انجام شد ولی هیچ نتیجه‌ای نداشت. اگر شرایط به همین شکل ادامه پیدا کند، نمی‌دانیم صدامان را به گوش چه کسی باید برسانیم. آنها با بیان اینکه این حجت‌ان را ضایع‌تر در میان کارگران شهر داری، موجه‌نگرانی‌ست، افزودند: مسئولان شهر ستان باید بدانند که خواسته‌های کارگران شهر داری، هم صنفی‌ست و هم قانونی و اگر به این خواسته‌ها ترتیب اثر داده نشود، مشکلات ماحادث خواهد شد.

■ ■ ■

کارکنان ریل باس:

پیمانکاران بدون پرداخت مطالبات کارگران می‌روند

ماه حق بیمه از پیمانکار سابق خود طلبکارند و پیمانکار جدیدی که جایگزین شده تاکنون بابت پرداخت برخی مزایای عرفی، مناسبیتی و کمک معیشتی، به کارگران پولی پرداخت نکرده‌است. او تأکید کرد، مسئولان شرکت قطارهای حومه‌ای راه آهن باید قبل از خروج پیمانکار، پیگیر پرداخت طلب ما کارگران باشند و با او تسویه حساب کنند چرا که اگر پیمانکار بدون پرداخت موقوفات مزدی کارگران از مجموعه خارج‌شود، دست کارگران برای وصول مطالبات‌شان به جایی نمی‌رسد. او با بیان اینکه خواستار حذف پیمانکار هستیم، افزود: حقوقی که از پیمانکار به عنوان شرکت واسطه در یافت می‌کنیم، کفاف هزینه‌های زندگی مان را نمی‌دهد. این حقوق نا کافی‌ست و براساس حداقل‌های قانون کار پرداخت می‌شود.

کارگران مهماندار و خدماتی قطارهای مسافری ریل باس، نگران پرداخت نشدن مطالبات معوقه خود توسط پیمانکار هستند. این کارگران که تحت مسئولیت یک شرکت پیمانکاری کار می‌کنند، به اینلنا گفتند: در طول سال شاهد تغییر یک الی دو پیمانکار در بخش خدمات قطارهای حومه‌ای راه‌آهن هستیم و متأسفانه در هر دوره تغییر، بخشی از مطالبات‌مان پرداخت نمی‌شود. یکی از این کارگران گفت: مهم‌ترین نگرانی کارگران مهماندار قطارهای مسافری ریل باس و سایر کارگرانی که به عنوان نظافت‌کار با برخی شرکت‌های پیمانکاری همکاری دارند، خروج پیمانکار قبل از پرداخت مطالبات معوقه کارگران است. این کارگر گفت: در حال حاضر برخی کارگران نظافتچی بابت پرداخت نشدن چند

محرومیت تکثیر می‌شود

در شرایط سخت امروز، فرزندان کارگران، حاشیه‌نشینان و روستاییان بیش از همیشه از امکانات با کیفیت آموزشی و آموزش کیفی محروم‌مانده‌اند. این محرومیت با ترک تحصیل اجباری و روی آوردن به کار تشدید می‌شود و در سال‌های اخیر با پدیده‌ای ناگوار به نام «مهاجرت کودکان برای کار» (به تنهایی یا همراه خانواده) مواجه شده‌ایم.

طبق آمار اعلام شده در سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۱، تعداد ۹۰۲ هزار و ۱۸۸ کودک در مقاطع مختلف تحصیلی از تحصیل باز مانده‌اند که این رقم در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۲ به ۹۲۸ هزار و ۲۲۹ کودک رسیده است

■ ■ ■

پیگیر بازنشستگی نیروهای اورژانس با ۲۵ سال خدمت هستیم

میلیون افزایش یافت. علاوه بر این بر تمام ضرب‌های حقوقی و مبلغ بازنشستگی نیز تاثیر گذار خواهد بود. میعادفر گفت: بخش دوم «سختی کار» در جه سختی کار است که با هر سال خدمت کردن، مقداری از سنوات فرد کم می‌شود. در حال حاضر نیروهای اورژانس در چه که هستند یعنی با یک سال کار کردن، یک ماه از سنوات آنها کمتر می‌شود. وی افزود: معتقدیم نیروهای اورژانس حداقل باید در چه سه‌را بگیرند که سالانه ۳ ماه کاهش سنوات داشته باشند چون کارشان واقعاً سخت و زیان‌آور است. رئیس سازمان اورژانس کشور ضمن مقایسه نیروهای اورژانس با سایر نیروهای امدادی ادامه داد: وضعیت آتش‌نشانان از ما در این مسأله بهتر است اما کارکنان فوریت‌های پزشکی باید با سایر کادر درمان مقایسه شوند که در مقایسه با آنها نیز شرایط پایین‌تری داریم و در حال پیگیری این هستیم که اختلاف حل شود. میعادفر گفت که در وزارت بهداشت نگاه‌به این مسأله مثبت است اما در تلاشیم

رئیس سازمان اورژانس کشور گفت که تلاش می‌کنند در چه سختی کار کارکنان این سازمان از ۱ در چه به ۲ در چه افزایش پیدا کنند تا این افزایش بعد از ۲۵ سال فعالیت، بازنشسته شوند. جعفر میعادفر در گفت‌وگو با ایسنا با اشاره به اینکه مبحث «سختی کار» هر حوزه روزا وس دویخش دارد، افزود: بخش اول امتیاز سختی کار است. همکارانم در سازمان در گذشته امتیاز ۱۵۰۰ داشتند که براساس آن حقوق می‌گرفتند اما با پیگیری‌های مداوم و نتوسیت این عدد اودو برابر کرده و به ۲ هزار رساندیم که باعث افزایش حقوق نیروها نیز شد. وی با تأکید بر اینکه این سقف فعلاً مناسب است اما معتقدیم باز هم باید افزایش پیدا کند، ادامه داد: این روند در سازمان امور استخدامی و سازمان برنامه و بودجه روند طولانی دار دامامادر حال اقیاع آنها هستیم.

رئیس سازمان اورژانس کشور ادامه داد: با این افزایش امتیاز، حقوق همکاران از یک میلیون تادو

کارگران پیمانکاری شهرداری چابهار تجمع کردند

کارگران پیمانکاری شهرداری چابهار، دیروز (۲۹ مهر ماه) مقابل ساختمان شهرداری چابهار تجمع کردند. به گزارش اینلنا و به گفته کارگران، حدود ۲۰۰ کارگر تحت مسئولیت یک شرکت تامین نیرو در شهرداری مشغول کارند

■ ■ ■

دبیر اجرایی خانه کارگر گیلان خبر داد:

تعدیل حدود ۵۰۰ کارگر در کارخانجات رشت

در حالی که شهر رشت سال‌ها به عنوان یکی از قطب‌های صنعتی شمال کشور شناخته می‌شد، امروز نشانه‌های افول در صنایع این شهر به وضوح دیده می‌شود، از تعطیلی کارخانه‌های قدیمی گرفته تا تعدیل صد‌ها کارگر در ماه‌های اخیر. «حسن ایزدی» دبیر اجرایی خانه کارگر گیلان از تشدید بحران بیکاری در میان کارگران این شهر خبر داد و به اینلنا گفت: در چند ماه اخیر و پس از جنگ ۱۲ روزه، حدود ۵۰۰ کارگر در کارخانجات رشت تعدیل نیرو شده‌اند. او با اشاره به پیشینه صنعتی رشت گفت: رشت زمانی یکی از مهم‌ترین شهرهای صنعتی کشور بود اما خصوصی‌سازی‌های مکرر و غیرکارشناسی در صنایع این منطقه موجب تعطیلی کارخانه‌ها و گسترش بیکاری

شده است. امروز بخش زیادی از جمعیت کارگری این شهر بدون شغل مانده‌اند و وضعیت اقتصادی خانواده‌ها پشان به شدت بحرانی است. به گفته ایزدی، کارخانه‌هایی مانند ایران کف و رشت الکترونیک که در گذشته هر کدام بیش از هزار کارگر شاغل داشتند، اکنون تعطیل شده‌اند. او اضافه کرد: واحدهایی نظیر ایران پوپلین و چوکانیز به دلیل مشکلات متعدد در تأمین مواد اولیه و بازار فروش، با ظرفیت پایین فعالیت می‌کنند و تولید پایداری ندارند. این فعال کارگری در پایان هشدار داد که ادامه روند فعلی می‌تواند زیرساخت‌های صنعتی رشت را به‌طور کامل از بین ببرد و زمینه‌ساز مهاجرت گسترده کارگران به سایر استان‌ها شود.

خبر

■ ■ ■

■ ■ ■

■ ■ ■

■ ■ ■

■ ■ ■

■ ■ ■

■ ■ ■

■ ■ ■

■ ■ ■

■ ■ ■

■ ■ ■

■ ■ ■

■ ■ ■

■ ■ ■

■ ■ ■

■ ■ ■

■ ■ ■

■ ■ ■

■ ■ ■

■ ■ ■